

ولی کامل نشدن آن در بجه را برای توجیه و بهانه‌های سیاسی و عدم پذیرش مسئولیت برخی امور باز گذاشت. در عین حال جناح راست در عین اختلاف نظری که با رییس جمهور بر سر وزیر کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی داشت،<sup>(۱)</sup> به کلیه‌ی اعضای پیشنهادی دولت خاتمی رأی اعتماد داد. پس از آن نیز اعلام کرد که با دولت همکاری خواهد کرد.

جبهه‌ی دوم خرداد، در اولین اقدام پس از پیروزی خاتمی، تلاش کرد ریاست مجلس را نیز تصاحب کند. به همین دلیل در مقابل حجة الاسلام ناطق نوری، که نامزد مورد حمایت اکثریت مجلس بود، حجة الاسلام عبدالله نوری و حجة الاسلام حسن روحانی از طرف جبهه‌ی دوم خرداد به‌طور غیررسمی نامزد ریاست مجلس اعلام شدند.<sup>(۲)</sup> در فضای سنگینی که علیه جناح راست در مجلس و جامعه ایجاد شده بود، این اقدامی بود که در صورت عملی شدن، توازن سیاسی جامعه را کاملاً به نفع جبهه‌ی دوم خرداد بر هم می‌زد و موجب اضمحلال کامل رقیب می‌گردید. برای جلوگیری از چنین پدیده‌ای، داور نهایی، مقام رهبری، به نمایندگان مجلس توصیه کردند که به نامزد اکثریت رأی دهند که به همین دلیل نامبرده تنها نامزد ریاست بود که با ۲۱۱ رأی به ریاست مجلس انتخاب گردید.<sup>(۳)</sup>

جبهه‌ی دوم خرداد فاقد برنامه‌ی اقتصادی و سازندگی مدون بود. خاتمی اعلام کرده بود که «برنامه‌های موفق دولت آقای هاشمی در جریان دوران سازندگی، به توفیقاتی ستودنی دست یافته که باید استمرار داشته باشد»،<sup>(۴)</sup> اما درون‌مایه‌ی دولت وی، سیاسی و فرهنگی بود. نتیجه‌ی وضعی وجود کادر سیاسی در رهبری دولت، پیروی از روشی بود که به زعم دولت‌مردان توسعه سیاسی با آن از رشد برخوردار می‌شد.

دست یازیدن به تکثیر کمی ابزارهای توسعه‌ی سیاسی، برگ برنده‌ی جبهه‌ی دوم خرداد بود؛ بر این اساس دولت خاتمی از ابتدای کار خود گسترش مطبوعات را در

۱. مراجعه شود به مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره‌ی پنجم، جلسه‌ی ۱۳۷۶/۵/۲۹

۲. ایران، ۱۳۷۶/۳/۱۲، ص ۱

۳. همشهری، ۱۳۷۶/۳/۱۲، ص ۲

۴. سلام، ۱۳۷۶/۲/۱، ص ۱

دستور کار قرار داد؛ به طوری که تعداد عناوین مطبوعات از ۵۱۳ عنوان در سال ۱۳۷۰، به ۱۲۵۰ عنوان در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت. همچنین دولت، ایجاد تشکل‌های سیاسی را تشویق کرد؛ طوری که ۶۱ تشکل در طول سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ به تعداد تشکل‌های موجود افزوده شد.<sup>(۱)</sup>

اغلب روزنامه‌ها و نشریه‌های سیاسی که پس از دوم خرداد منتشر شدند، رنگی بودند. پیش از آن نیز روزنامه‌ی همشهری و ایران، رنگی منتشر می‌شدند، اما نشریه‌های جدید هم دارای محتوایی متفاوت با سابق بودند و هم در اشکال متنوع و با رنگ‌های متفاوتی به چاپ می‌رسیدند. تحولات بعدی کشور و پیروزی پی در پی جبهه‌ی دوم خرداد نشان داد که این ابزار تا حد زیادی کارایی داشته است.

جبهه‌ی دوم خرداد برای تصاحب مابقی سنگرهای قدرت و تداوم حضور خود در دولت، پس از استقرار اولیه، «استراتژی فتح سنگر به سنگر» مناصب نظام را در پیش گرفت. در این راهبرد، بهره‌گیری از مطبوعات، تشکل‌های سیاسی و بهره‌گیری از تحولاتی که در جامعه رخ می‌داد جایگاه ویژه‌ای داشت. نیز انگشت نهادن بر حساسیت‌های دینی و سیاسی جناح رقیب، نقطه‌ی کانونی این راهبرد را تشکیل می‌داد. راهبرد سازان جبهه‌ی دوم خرداد، که احتمالاً به ضعف ستاد اقتصادی و کارایی عملی جبهه و قوف کامل داشتند، در اجرای برنامه‌ی فتح سنگرهای باقیمانده‌ی نظام، شعار دیگری سر دادند و آن این‌که «نمی‌گذارند کار کنیم». این شعار که در طول زمان به «نمی‌گذارند» تبدیل شد و بر سر زبان‌ها افتاد، تقریباً از طرف افکار عمومی پذیرفته شد. شاید دلیل این پذیرش سریع و همگانی آن بوده باشد که جناح راست همچنان اکثریت خود را در مجلس حفظ کرده و تغییر در حاکمیت خود بر مجلس ایجاد نکرده بود. سابقه‌ی رقابت جناح راست با جناح چپ در انتخابات هفتم ریاست جمهوری نیز اولاً می‌توانست شاهده‌ی بر مدعای سابق به حساب آید؛ ثانیاً با شروع ریاست جمهوری خاتمی، هاشمی رفسنجانی به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب شد. انتصاب وی به ریاست مجمع، موجب تقویت مجمع از راه سازماندهی آن با بهره‌گیری

۱. مراجعه شود به: دارابی، سیاستمداران اهل فیضیه، پیوست ۵، صص ۲۹۱-۳۰۰

از برخی مدیران غیر دوم خردادی گردید. چنین وانمود شد که مجمع به منزله‌ی کنترل‌کننده‌ی دولت عمل می‌کند. این نیز شاهده‌ی بر مدعای جبهه به حساب آمد و ثالثاً انسجام و گستره‌ی مطبوعاتی دوم خرداد توانست از این شعار واقعیتی بسازد که همگان آن را باور کنند.

جناح راست در مقابل چنین شعاری دو گزینه داشت: عقب‌نشینی از صف اول جبهه در مجلس یا ماندن در صف و دفاع تا پایان مهلت قانونی. عقب‌نشینی در صورتی تحقق می‌یافت که جناح راست به‌طور مشخص نیروهای اصلی خود را از ریاست بر مجلس، هیئت ریسه و کمیسیون‌ها فراخواند و مجلس را به فراکسیون مجمع حزب‌الله، که طرفدار رئیس‌جمهور بود، واگذارد تا شائبه‌ی ایجاد مانع به این وسیله از بین برود. شاید جناح راست احساس می‌کرد حتی با عقب‌نشینی جبهه‌ی دوم خرداد همچنان به کار خود ادامه خواهد داد، به همین دلیل همچنان در صف مقدم حضور خود را حفظ کرد و رقابت خود را در همان جا با رقیب ادامه داد. این رقابت هزینه‌ی زیادی بر جناح راست تحمیل کرد.

شهردار وقت تهران و دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، در اواخر سال ۱۳۷۶ به وسیله‌ی دادگستری تهران دستگیر و زندانی گردید. گرچه قاعدتاً این اقدام که از ناحیه‌ی قوه‌ی قضائیه صورت گرفته بود نباید به حساب جناح بازنده گذاشته شود، جبهه‌ی دوم خرداد از این امکان علیه رقیب خود نهایت بهره‌برداری را کرد. حضور یکی از اعضای جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران در سمت ریاست قوه‌ی قضائیه و تصدی ریاست دادگستری تهران توسط حجة‌الاسلام علی رازینی، از دانش‌آموختگان مدرسه‌ی علمیه‌ی حقانی و یکی از مؤسسان جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی، اتهام سنگ اندازی از جانب جناح بازنده در راه مدیریت دولت و تلاش برای تضعیف قدرت دولت خاتمی را به‌طور نسبی به حقیقت تبدیل کرد.

مطبوعات جناح راست نیز از اقدام دادگستری تهران حمایت کردند. اختلاف جناح راست با شهردار تهران به اوایل آغاز به کار شهردار تهران برمی‌گشت. سیاست‌های شهردار تهران، در حوزه‌ی فرهنگی و سازوکارهای اجرایی شهرداری و اقدامات شهرداری تهران، در انتخابات مجلس پنجم - که به حمایت از نامزدهای کارگزاران

صورت گرفت - عمده‌ترین عوامل اختلاف بود. این حمایت نیز شاهدهی بر سیاسی بودن اقدام دادگستری تهران به حساب آمد.

در این میان صدا و سیما هم به حمایت از جناح بازنده متهم گردید. پیش‌تر روش تبلیغاتی صدا و سیما در انتخابات هفتم ریاست جمهوری، این رسانه را به هواداری از جناح راست متهم کرده بود. صدا و سیما احتمالاً با هدف زدودن شائبه‌ی هواداری از جناح راست، کل محاکمه‌ی شهردار تهران را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم پخش کرد، در عین حال فعالیت مطبوعاتی وسیع جبهه‌ی دوم خرداد در مظلوم نشان دادن شهردار تهران و دولت خاتمی، تقریباً تلاش صدا و سیما را خنثی کرد و همچنان بر جناحی بودن اصرار گردید.

دولت خاتمی نیز به شدت از شهردار تهران حمایت کرد و جلسه‌ی شش ساعته‌ی خود را به بررسی دستگیری شهردار تهران اختصاص داد و به حمایت از وی تصویب کرد که وزارت کشور نمایشگاهی از خدمات شهردار تهران برپا نماید. وزارت کشور، با وزیر عبداللّه نوری - هم حزبی شهردار - به اقداماتی گسترده در این رابطه دست زد. پاره‌ای از تحرکات اعتراض‌آمیز نیز در سطح شهر تهران صورت گرفت.<sup>(۱)</sup> نیز سخنگوی وقت دولت، مهاجرانی، این موضوع را در آستانه‌ی عید نوروز «هدیه‌ی قوه‌ی قضائیه به دولت» دانست.<sup>(۲)</sup>

حاصل دستگیری کرباسچی، زندانی شدن و انفصال وی از خدمات دولتی بود. این امر به خودی خود جداسازی حزب کارگزاران از یک منبع غنی مالی، امکانات و نفوذ بود و شکستی برای جبهه‌ی دوم خرداد به حساب می‌آمد، اما در عین حال اعتماد عمومی به قوه‌ی قضائیه را به شدت کاهش داد و شایعه‌ی ایجاد کردن مانع به‌وسیله‌ی جناح راست را در برابر دولت تقویت کرد.

آنچه درباره‌ی قوه‌ی قضائیه مطرح بود، به نوعی به قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب برمی‌گشت که به قاضی اختیار می‌داد در آن واحد به عنوان مدعی‌العموم نیز

۱. همشهری، ش ۱۵۱۶، ۱۳۷۷/۱/۲۳، ص ۳

۲. همشهری، ش ۱۵۱۲، ۱۳۷۷/۱/۱۷، ص ۱

عمل کند.<sup>(۱)</sup> تمویض قاضی پرونده در روزهای نزدیک به آغاز محاکمه، دلیل دیگری بر ضعف قوه قضائیه به حساب آمد. مطبوعات دوم خرداد هم نحوه محاکمه و هم تحولات آن را دلیل ضعف جناح بازنده قلمداد کردند.

وزیر وقت کشور از زمان آغاز به کار دولت خاتمی، روش کاری جدیدی متفاوت از دوره وزارت کشور دوره اول دولت هاشمی در پیش گرفت. گزینش اکثر مقامات استانی از عناصر خاصی از جبهه دوم خرداد، و عزل گسترده‌ی کسانی که به جبهه دوم خرداد وابستگی نداشتند و انتصاب یکی از اعضای مؤثر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به سمت معاونت سیاسی وزارت کشور از اولین اقدامات وی بود. این اقدام و به خصوص قرار گرفتن گلوگاه امور داخلی کشور در دست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از طریق معاون سیاسی وزارت کشور، سیدمصطفی تاجزاده، حساسیت زیادی در میان جناح رقیب برانگیخت.

به علاوه در پرتو شعار رییس دولت، دایر بر «حمایت از آزادی مخالف»، وزارت کشور با تسامح بیشتری نسبت به گروه‌های دوم خردادی برای تجمعات یا راهپیمایی‌های محدود و اعتراض‌آمیز، به صدور مجوز اقدام کرد. در بسیاری از تجمعاتی که برگزار شد، علیه مجلس، قوه قضائیه، صدا و سیما، نهاد ولایت فقیه و شخص ولی فقیه شعارهایی سر داده شد و گاهی نیز در نطق‌های مختلف، همین مضامین تکرار گردید. از رفتار وزارت کشور چنین برداشت شد که شخص وزیر کشور و معاون سیاسی وی، رقابت با جناح حاکم در مجلس را از راه تشدید تشنج در عرصه اجتماع و دامن زدن به آن پی می‌گیرد.

برگزاری نمایشگاه خدمات شهرداری تهران، در بهار سال ۱۳۷۷ در وزارت کشور و حمایت سازمان یافته از شهردار تهران بر اقدامات سابق وزارت کشور افزود. در حاشیه‌ی نمایشگاه مزبور نیز، علیه جناح رقیب، که با عناوین محافظه‌کار، شکست خورده، انحصار طلب، خشونت طلب، سنتی، متحجر، حامی گروه‌های فشار و جامعه‌ی

۱. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و آئین‌نامه اجرایی آن

مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵، ماده ۱۴

تک‌صدایی از آن یاد می‌شد، علیه قوه‌ی قضائیه و گاه اصول نظام، مطالبی ایراد می‌گردید. این تحرکات از طریق مطبوعات دوم خرداد در سطحی وسیع پوشش داده می‌شد.

جناح راست در اولین برخورد سازمان‌یافته‌ی خود با جناح رقیب، که خود را دوم خردادی، اهل گفت‌وگو، اصلاح طلب، مدرن، قانون‌گرا، طرفدار مشارکت سیاسی، حامی جامعه‌ی چندصدایی و آزادی می‌نامید، در ۳۱ خرداد ماه ۱۳۷۷، وزیر کشور دولت را استیضاح کرد که رهبری این استیضاح را عناصر شاخص جناح راست به عهده داشتند. افرادی چون مهندس محمدرضا باهنر، دکتر مرضیه وحید دستجردی، دکتر مهدی رضا درویش‌زاده، مهندس سیدطاهر طاهری، عباسعلی نورا در استیضاح مشارکت کردند.

دلایلی که توسط استیضاح‌کنندگان برای استیضاح برشمرده شد، به‌طور عمده حول دو محور ایجاد تشنج در جامعه به جای ایجاد امنیت و ثبات توسط وزیر کشور و عزل و نصب‌های جناحی دور می‌زد. مدعای اصلی استیضاح‌کنندگان این بود که دولت در حال تلاش برای پیشبرد توسعه‌ی سیاسی و ساماندهی اقتصادی کشور است. مجلس نیز به هنگام اخذ رأی اعتماد، یاری رساندن به دولت از طریق تصویب لوایح ارائه شده و همکاری کمیسیون اصلی رسیدگی به بودجه، حسن‌نیت خود را در همکاری با دولت به اثبات رسانده است:

«بی‌گمان یاری رساندن به دولت در تحقق وعده‌های خویش، وظیفه‌ای ملی و شرعی است و هر کس در هر مقامی موظف است با روش‌های قانونی در این راستا تلاش نماید. مجلس شورای اسلامی همواره اعلام نموده که آماده‌ی هر نوع همکاری در جهت رفع مشکلات موجود است.»<sup>(۱)</sup>

اما وزیر کشور با دامن زدن به تشنج، دولت را با بحران مواجه کرده و امکان عمل را از دولت سلب کرده است:

۱. محمدرضا باهنر در استیضاح در نظام سیاسی ایران، جلد دوم، ص ۸۲۲

«مجلس از ایشان [نوری] انتظار داشت که با هدایت مدیرانه‌ی وزارت کشور، با حاکم نمودن جو آرامش و عقلانیت سیاسی ضمن گسترش مشارکت مردم در سیاست، پس زمینه و بستر لازم برای پیاده شدن طرح‌های ارزشمند و اجرایی دولت محترم در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را فراهم آورند؛ ولی متأسفانه... اقداماتی نسنجیده و غیرمدیرانه منجر به افزایش جو التهاب و هیجان‌زدگی سیاسی، حاکمیت غوغا سالاری و هرج و مرج به جای مردم‌سالاری و طبعاً گسترش پدیده‌ی مذموم و زشت خشونت در جامعه شد.

به گمان ما شرایط ملتهب پدید آمده، امکان ورود به حیطه‌ی مسائل و معضلات اساسی و حل آن‌ها را از دولت سلب می‌نماید و اگر به افکار عمومی مراجعه کنیم، در می‌یابیم عمده‌ی نکاتی که تصویر ذهنی مردم شریف ایران را ساخته و موجب اشتغال ذهن دولت‌مردان شده است، چیزی جز بحران‌های کاذب، برآمده از عملکرد نادرست و به دور از وقار سیاسی وزارت کشور، به‌ویژه شخص وزیر نبوده و همین عملکرد است که ما را برخلاف میل مان به استیضاح ایشان کشانده است.

انتخاب شیوه‌ی نادرست ایشان [نوری] و نادیده گرفتن اقتدار حکومت و نظام در گسترش مشارکت سیاسی، نهایتاً ما را به سوی الگویی چون لبنان چند سال قبل خواهد کشید و بی‌توجهی به وحدت و هویت ملی و مذهبی، کشور بزرگ ما را به سوی سرنوشتی بسان یوگسلاوی سابق سوق خواهد داد.<sup>(۱)</sup>

در محور حذف مدیران اجرایی غیرهمسو با وزیر نیز، که تقریباً در تمامی استیضاح‌ها ذکر شده، استیضاح‌کنندگان مدعی شدند:

«با نگاهی گذرا به عزل و نصب‌ها در وزارت کشور، در می‌یابیم که در طی این مدت، ۷۵ مدیر ارشد اعم از استاندار و معاونین وزیر و معاونین استاندار بالغ بر ۱۴۶ مدیرکل، ستادی، وزارت کشور و استانداری‌ها، ۳۴۰ فرماندار و بخشدار، ۸۰ شهردار، ۴۵ مشاور وزیر و استاندار و ۹۲۴ دهمدار تعویض شده است... تعداد

۱. همان، صص ۸۲۳-۸۲۴ و نیز با همین محتوا مراجعه شود به: سیدطاهر طاهری، همان، صص ۸۴۵-۸۴۶.

کل این نیروی انسانی تعویض شده ۱۶۸۹ نفر است. اگر سابقه‌ی مدیریتی هر یک از افراد فوق را حداقل به طور متوسط ۱۰ سال بدانیم؛ جمعاً ۱۶۸۹۰ سال تجربه‌ی مرتبط با وزارت کشور از مجموعه‌ی این وزارت‌خانه‌ی حساس کنار گذاشته شده است.<sup>(۱)</sup>

به علاوه موضوعاتی چون بهره‌برداری رادیوهای بیگانه و امپریالیسم خبری از مواضع وزیر کشور در خصوص بازداشت شهردار تهران،<sup>(۲)</sup> وضعیت بسیار نامطلوب امنیتی در استان سیستان و بلوچستان به دلیل انتصاب استاندار ضعیف،<sup>(۳)</sup> دامن زدن به بحران‌های قومی با انتصاب استاندار آذربایجان غربی، صدور مجوز برای تجمعات نهضت آزادی و دیگر گروه‌های دگراندیش و حمایت از آنان،<sup>(۴)</sup> احیای مجدد باند سیدمهدی هاشمی از طریق انتصاب یکی از طرفداران وی به سمت فرماندار نجف‌آباد<sup>(۵)</sup> و مخالفت وی با راهپیمایی حمایت از ولایت و تحریک بازاریان نجف‌آباد توسط وی به انتصاب،<sup>(۶)</sup> دلایل استیضاح وزیر کشور دانسته شده است.

وزیر کشور در پاسخ به استیضاح‌کنندگان، به کلیات بسنده کرد و به تکذیب و تأیید متوسل گردید.<sup>(۷)</sup> نحوه‌ی پاسخگویی وزیر - که از موضع بالا بود - و به‌ویژه این‌که وی پیش از رأی‌گیری مجلس را ترک کرد، می‌رساند که شاید نامبرده به اتکای فضای زمانی - که به شدت علیه اکثریت مجلس بود - یقین داشت که اکثریت جرأت رأی عدم اعتماد به وی را نخواهد داشت؛ یا احتمالاً می‌دانست که با توجه به جلسه‌ای که پیش از آن در مسجد سلمان توسط معاون اول وقت دولت - دکتر حسن حبیبی - برگزار شده بود، رأی عدم اعتماد به وی قطعی است.

دو نماینده‌ی عضو مجمع روحانیون مبارز تهران هم در دفاع از وزیر کشور سخن

۱. مرضیه وحید دستجردی، همان، ص ۸۳۱

۲. طاهری، همان، صص ۸۲۵-۸۲۸

۳. عباسعلی نورا، همان، صص ۸۵۱-۸۴۵

۴. مهدی‌رضا درویش‌زاده، همان، صص ۸۵۷-۸۵۱

۵. سیدحاجی محمد موحد، همان، صص ۸۶۴-۸۵۷

۶. حسن کامران دستجردی، همان، صص ۹۱۹-۹۱۵

۷. عبدالله نوری، همان، صص ۹۰۲-۸۶۴ و ۹۳۱-۹۲۵



گفته‌اند. تلاش مدافعین وزیر، برای اثبات صلاحیت وی از راه بیان سوابق حکومتی وی، توجیه درستی عملکرد وی<sup>(۱)</sup> و پیوند دادن بقای وزیر به اقتدار دولت، به کار گرفته شده است.<sup>(۲)</sup>

در مجموع با عنایت به طراحی دقیق استیضاح و دفاع به نسبت ضعیف وزیر و مدافعان وی، وزیر کشور دولت دوم خرداد با ۱۳۷ رأی با عدم اعتماد خود مواجه و پس از ده ماه و نیم از سمت خود برکنار گردید.

وزیر کشور بعدی خاتمی عبدالواحد موسوی لاری، در حالی از میان اعضای مجمع روحانیون مبارز تهران انتخاب شد که موج تحرکات مطبوعاتی جبهه‌ی دوم خرداد به شدت فضای کشور را تحت تأثیر خود قرار داده بود. در این فضا می‌بایست انتخابات سومین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری برگزار می‌شد.

مطابق آیین‌نامه‌ی انتخابات خبرگان رهبری، تنها فردی می‌تواند به عضویت خبرگان انتخاب شود که مرتبه‌ی اجتهاد او به روش‌های مختلف پذیرفته شده، در آیین‌نامه ثابت گردد. این آیین‌نامه در دور دوم انتخابات خبرگان تدوین و اجرا گردید و در دور سوم نیز همچنان به قوت خود باقی بود.

این واقعیتی است که به‌طور طبیعی شمار مجتهدان مورد حمایت جامعه‌ی روحانیت مبارز و جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، یا معرفی شده یا تأیید شده از طرف آن دو تشکل، بیش از تعداد مجتهدان مورد حمایت یا معرفی یا تأیید مجمع روحانیون مبارز تهران است؛ بر همین اساس جناح چپ ضمن تأکید بر اصل انتخابات و اعلام شرکت در آن، تلاش کرد که از روش‌های مختلف، تعداد نامزدهای خود را افزایش دهد.

مطبوعات دوم خردادی مطالب متعددی درباره‌ی انتخابات خبرگان مطرح کردند. عمده‌ترین موضوعی که مطرح شد و مانور زیادی روی آن صورت گرفت، موضوع نیمه روحانی یا غیر روحانی سازی مجلس خبرگان بود. این موضوع بدین‌گونه طرح گردید که شرایط رهبر تنها در اجتهاد خلاصه نمی‌شود، بلکه شرایط دیگری از قبیل مدیر و مدبر

۱. مجید انصاری، همان، صص ۹۱۴-۹۰۲.

۲. سید محمود دعایی، همان، صص ۹۰۶-۹۰۲.

بودن، آگاه به زمان بودن و غیره نیز از صلاحیت‌های رهبری است. بنابراین نباید نمایندگان خبرگان تنها در مجتهدان خلاصه شوند؛ بلکه باید افرادی از رشته‌های مختلف در خبرگان حضور یابند.<sup>(۱)</sup> پرچمدار طرح و وپی‌گیری چنین دیدگاهی وزیر برکنار شده‌ی کشور بود که به شدت علیه جناح رقیب فعالیت می‌کرد.

گرچه از لحاظ منطقی موضوع مطرح شده خدشه‌پذیر می‌نمود، در زمان خود فضای سیاسی سنگینی ایجاد کرد. در همین فضا از طریق آزمونی که از جانب شورای نگهبان برگزار شد، برخی از اعضای جوان‌تر مجمع روحانیون، مانند مجید انصاری، توانستند به صحنه‌ی انتخابات وارد گردند. در عین حال چهره‌های جوان‌تر دیگری نیز از جناح رقیب و گاهی برخی از مستقل‌ها به خبرگان سوم راه یافتند.

در انتخابات خبرگان، که در اول آبان ماه ۱۳۷۷ با آرامش برگزار شد، ۱۸ میلیون نفر شرکت کردند.<sup>(۲)</sup> حاصل این انتخابات اکثریت یافتن نامزدهای مورد حمایت جامعه‌ی مدرسین و جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران در مجلس خبرگان بود. این دو تشکل و بسیاری از نامزدهای آنها در خبرگان، در سال قبل از نامزد بازنده‌ی انتخابات ریاست جمهوری حمایت قاطع کرده بودند و برخی گمان می‌کردند که آنان با اقبال مردمی مواجه نگردند، اما نتیجه‌ی انتخابات خلاف آن بود.

دولت خاتمی از ابتدای سال ۱۳۷۷ تصمیم خود را دایر بر برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در سراسر کشور اعلام داشت. از لحاظ قانونی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی یک فصل و هشت اصل<sup>(۳)</sup> به شوراها اختصاص یافته است. ظاهراً منظور مقنن از وضع نهاد شورا، واگذاری کار مردم به مردم تا سرحد امکان و مشارکت دادن آنان در اداره‌ی امور محلی خود از طریق تشکیل نهادی مدنی بوده است. اهمیت این نهاد به حدی بوده که یکی از مجاری اعمال حاکمیت مردمی<sup>(۴)</sup> در قانون اساسی به حساب آمده، گستره‌ی آن تا سطح شورای عالی استان‌ها وسعت

۱. برای نمونه مراجعه شود به: انتخابات خبرگان را باشکوه برگزار کنیم، عصرما، ش ۹۳، ۱۳۷۷/۲/۲.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل ششم.

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی، فصل هفتم و اصول یکصد و ششم و اصل هفتم.

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل ششم.

یافته<sup>(۱)</sup> و مدیران ارشد سیاسی و مدنی دولت، مانند استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت منصوب می‌شوند موظف گردیده‌اند که در حدود اختیارات شوراها تصمیمات آن‌ها را رعایت کنند.<sup>(۲)</sup>

از لحاظ تاریخی این اولین بار در جمهوری اسلامی بود که دولت به‌طور رسمی تشکیل سراسری شوراها را در دستور کار خود قرار می‌داد. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، در مقطعی از زمان شوراها به شکل خودجوش در جاهای مختلف تشکیل شده بودند و در یک دوره نیز شوراهای اسلامی روستاها تحت نظارت و هدایت جهاد سازندگی روستاها تشکیل شده و اداره‌ی امور روستاها را تصدی کرده و بعضاً منحل یا به تدریج فاقد کارایی شده بود. در عین حال مجلس شورای اسلامی در سال‌های قبل از ۱۳۷۷، قانون تشکیل شوراهای اسلامی را تدوین و تصویب کرده بود، اما دولت سازندگی به دلایل مختلف از اجرای آن طفره رفته بود.

شعار توسعه‌ی سیاسی جبهه‌ی دوم خرداد، اقتضای فعال‌سازی ظرفیت‌های غیرفعال قانون اساسی را داشت. شوراها نیز یکی از ظرفیت‌های قانون اساسی بود که هم با شعارهای دولت تناسب داشت و هم می‌توانست پایه‌ی اجتماعی قدرت دولت را تعمیق و تثبیت نماید. برگزاری انتخابات شوراها از نظر دیگری هم با شعار مشارکت جبهه‌ی دوم خرداد تناسب داشت. به هر حال برگزاری انتخابات شوراها می‌توانست با به صحنه کشانیدن مردم و تشکیل شوراها از نامزدهای احتمالاً دوم خردادی، به طور همه‌جانبه به نفع جبهه‌ی دوم خرداد باشد.

در بهره‌برداری از وقایع سیاسی برای فتح سنگر به سنگر مناصب نظام، رویدادی که در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۷۷ رخ داد، به‌طور معتابهی به پیشروی جبهه‌ی دوم خرداد و شکست هر چه سریع‌تر رقیب کمک کرد. کشته شدن داریوش فروهر، همسرش و دو نویسنده به دست برخی عوامل وزارت اطلاعات که به قتل‌های زنجیره‌ای مشهور شد، موضوعی بود که فضای داخلی و بین‌المللی را از اول آذرماه ۱۳۷۷ تا حال

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصول یکصد و یکم و یکصد و دوم

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل یکصد و سوم

حاضر تحت تأثیر قرار داده است.

در این زمان وزارت اطلاعات، در تصدی حجة الاسلام دری نجف آبادی بود که از اعضای شورای مرکزی جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران بود. ساختار اصلی وزارت خانه هنوز دست نخورده باقی مانده بود و عمده‌ی مناصب اصلی را مدیران وزیر سابق به عهده داشتند. بنابراین شائبه یا شایعه‌ی تسلط جناح راست بر وزارت اطلاعات و انتساب احتمالی قتل‌ها به عوامل جناح راست، برای به شکست کشاندن دولت خاتمی با اتکا به ذهنیتی که از جناح راست در جامعه در حوزه‌ی خشونت‌طلبی، مخالفت با آزادی بیان و مطبوعات ساخته شده بود، به سادگی از طرف جامعه پذیرفتنی بود.

پس از این‌که وزارت اطلاعات با صدور اطلاعیه‌ای قتل چهار نفر مزبور را به دست عوامل خود پذیرفت و حتی قبل از آن، جناح‌های سیاسی در این باره اظهار نظرهای متفاوتی کردند، جبهه‌ی دوم خرداد از طریق مطبوعات تازه تأسیس خود، به خصوص روزنامه‌ی صبح امروز که مدیریت آن را یکی از مدیران سابق وزارت اطلاعات در زمان وزارت حجة الاسلام ری شهری به عهده داشت، به طور تلویحی انگشت اتهام را متوجه رقیب کرد. دیگر مطبوعات جبهه‌ی دوم خرداد نیز از روزنامه‌ی مزبور پیروی کردند.<sup>(۱)</sup> جناح راست که در موضعی کاملاً انفعالی قرار گرفته بود، هم خواستار محاکمه‌ی علنی عاملان قتل‌ها شد و هم انتساب اتهام مزبور را به خود غیر معقول دانست.<sup>(۲)</sup>

پرونده‌ی قتل‌های زنجیره‌ای در مسیر خود نطق‌ها و نوشته‌های زیادی را از مطبوعات همراه داشت. در یک جمع‌بندی می‌توان سه دسته نطق و نوشته تشخیص داد: دسته‌ای از نوشته‌ها و نطق‌ها که علیه رقیب سیاسی توسط مطبوعات جبهه‌ی دوم خرداد به عناوین مختلف به رشته‌ی تحریر درآمده بود. محتوای این نوشته‌ها از یک طرف متوجه وزیر اطلاعات دولت هاشمی و مدیران مربوطه‌ی آن وزارت خانه بود و از سوی دیگر بخش‌هایی از جناح راست را به خشونت‌طلبی و تئوریزه کردن خشونت متهم

۱. بخشی از این موضع‌گیری‌ها در این اثر جمع‌آوری شده است: پرونده‌ی قتل‌های زنجیره‌ای در محمود مصور رحمانی، ایران ۷۸ در آینه‌ی مطبوعات، تزکیه، تهران، ۱۳۸۰، صص ۱-۲۹۹.

۲. به عنوان نمونه مراجعه شود به: رسالت، بهمن و اسفند ۱۳۷۷.

می ساخت. (۱)

دسته‌ای دیگر از گفته‌ها و نوشته‌ها به‌طور مستقیم بخش‌هایی از جبهه‌ی دوم خرداد را استحاله طلب قلمداد کرده و مدعی بود که با هدف تسلط بر وزارت اطلاعات و ضربه زدن به مقام رهبری قتل‌ها را ساماندهی کرده‌اند و اجازه نخواهند داد که سناریوی امنیتی - اطلاعاتی قضیه در نهایت کشف شود. به‌عنوان شاهد نیز با صراحت اظهار شده که قاتل اصلی از جبهه‌ی دوم خرداد و از نزدیکان رئیس‌جمهور است. (۲) نیز در قسمت سوم، نوشته‌هایی وجود دارند که به نوعی علیه نظام منتشر شده‌اند و تلاش کرده‌اند نظام را خشن و مخالف آزادی بیان نشان دهند. (۳)

تأخیر و ضعف مدیریتی‌ای که مرجع رسیدگی به پرونده از خود نشان داد، از یک سو زمینه را هر چه بیشتر برای بهره‌برداری سیاسی از اطلاعات ناقص پرونده فراهم کرد و از سوی دیگر دست به دست شدن پرونده در دست چند گروه امنیتی و قضایی و به‌درازا کشیدن بررسی آن، در حدود چهار سال، و مرگ مشکوک یکی از متهمان پرونده در بازداشتگاه، از اعتبار دستگاه قضایی نزد افکار عمومی به‌شدت کاست و نوعی سردرگمی در بخش قضایی - امنیتی نظام را به نمایش گذاشت.

وزیر اطلاعات نیز در اثر پی‌گیری این پرونده، از سمت خود استعفا داد. این دومین

۱. برای نمونه مراجعه شود به:

الف - «چراغ» خشونت بن‌بست منطق، عصر ما، ش ۱۲۷، ۱۳۷۸/۶/۱۰

ب - ارهاب؛ تفکری محفلی در پس یک واژه، عصر ما، ش ۱۲۶، ۱۳۷۸/۵/۲۷

ج - محفل بزرگ، صبح امروز، ش ۱۸۰، ۱۳۷۸/۵/۲

د - چهره‌ی پنهان سعید امامی، نشاط، ۱۳۷۸/۵/۱۶

ه - حزب جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی، زوایای پنهان و ابعاد گسترده قتل‌های زنجیره‌ای، صبح امروز،

۱۳۷۸/۸/۳۰

و - آقای فلاحیان باید پاسنخگو باشد، سلام، ش ۲۲۳۳، ۱۳۷۸/۴/۵

۲. مراجعه شود به: الف - روح‌الله حسینیان، کیهان، ۱۳۷۷/۹/۱۷، صص ۱-۳

ب - حسینیان، روح‌الله، سعید امامی نه در قتل‌ها دست داشته و نه جاسوس است، خرداد، ۱۳۷۴/۴/۸

ج - حسینیان، روح‌الله، اصل بر برائت سعید امامی است، صبح امروز، ۱۳۷۸/۴/۷

د - حسینیان، روح‌الله، آخه بابا جون، ما خودمان والله یک زمان قاتل بودیم، صبح امروز، ۱۳۷۸/۶/۲۸

۳. برای نمونه مراجعه شود به: برگ دیگری از جنایت‌های سعید امامی ورق می‌خورد؛ این بار فرج سرکوهی

نکته‌های ناگفته را افشا می‌کند، هفته‌نامه‌ی ارزش، ۱۳۷۸/۶/۱۱

مقام مهم اجرایی دولت خاتمی بود که به فاصله‌ی حدود ۱۶ ماه از شروع کار دولت، مجبور به کناره‌گیری از سمت خود شد. وزیر بعدی که تصدی وزارت‌خانه را به عهده گرفت، از همسویی بیشتری با جبهه‌ی دوم خرداد برخوردار بود. به این ترتیب جبهه‌ی دوم خرداد توانست وزارت‌خانه‌ی مهم اطلاعات را از آن خود سازد.

مقارن با فضایی که در آن نبرد شدید مطبوعاتی جریان داشت، بازار شایعه رواج فراوان داشت، از انتشار اخبار ضد و نقیض پرهیز نمی‌شد، از ایراد تهمت و افترا احتراز نمی‌گردید و رعایت اخلاق مطبوعاتی در حد پایینی بود مقدمات برگزاری انتخابات شوراها فراهم گردید.

مطابق قانون، هیئت نظارت بر انتخابات شوراها مرکب از نمایندگان مجلس شورای اسلامی دوره‌ی پنجم بود. اکثریت مجلس را جناح راست به عهده داشت و در هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها و نیز بیشتر هیئت‌های نظارت استان‌ها، این اکثریت حفظ گردید. در مقابل هیئت‌های اجرایی انتخابات شوراها در اختیار وزارت کشور بود. به‌طور عمده وزارت کشور تحت تأثیر مدیریت معاون سیاسی خود حرکت می‌کرد. وی از لحاظ جناحی در جناح چپ عضویت داشت.

هنگام برگزاری انتخابات شوراها، بین هیئت نظارت و هیئت اجرایی بر سر تأیید صلاحیت برخی نامزدها اختلاف نظر شدیدی بروز کرد و مدتی فضای سیاسی تحت تأثیر این نزاع سازمانی قرار داشت. جناح راست از طریق نمایندگان خود در هیئت‌های نظارت تلاش کرد افرادی را که مطابق برداشت جناح، معیارهای لازم را نداشتند رد صلاحیت کند. چون عمده‌ی کسانی که موضوع اختلاف بودند، از افراد شاخص جبهه‌ی دوم خرداد بودند (مانند عبدالله نوری و سعید حجاریان)، وزارت کشور بر بقای آنان در فهرست اصرار ورزید و هیئت نظارت نیز نتوانست اقدامی انجام دهد؛ اما بر انتخابات شوراها نظارت خود را اعمال کرد.

جناح چپ در انتخابات شوراها از تاکتیک‌های مختلف به خوبی استفاده کرد. از یک سو اشخاص معروف سیاسی را در رأس فهرست خود قرار داد و از سوی دیگر افرادی مانند عبدالله نوری را، که توسط جناح راست از سمت خود عزل شده بود، در فهرست خود وارد کرد. مشخص شده است که در شهر تهران مانند هر جای دیگر ایران، مردم هم

خواهان و هوادار تغییرند و هم به سرعت جذب جناحی می‌گردند که از قدرت مخالف‌خوانی بیشتری برخوردار باشد. وجود چهره‌هایی چون نوری یا حجاریان به خوبی هر دو جنبه را به نمایش می‌گذاشت.

جناح راست نیز در انتخابات شوراها تلاش کرد اعتماد عمومی را از طریق معرفی شخصیت‌های معروف، انتخاب شعار «شهر سبز برای خود» و تقلیدهایی در گزینش رنگ پوسترها و شعارهای تبلیغاتی از جبهه‌ی دوم خرداد، به خود جلب نماید. اما قدرت تبلیغاتی و بستری که از قبل فراهم شده بود، چندان اوضاع را به نفع جناح راست تغییر نداد و پیروزی در انتخابات شوراها از آن جبهه‌ی دوم خرداد گردید. مهم‌ترین نقطه‌ی پیروزی جبهه‌ی دوم خرداد، شهر تهران بود که به‌طور کلی فهرست سی نفره‌ی نامزدهای اصلی منتخب، به جبهه‌ی دوم خرداد تعلق گرفت.

این پیروزی مقدمه‌ای بود که جبهه‌ی دوم خرداد به اتکای آن به سوی تصاحب اکثریت کرسی‌های مجلس ششم گام بردارد که قرار بود انتخابات آن در اواخر بهمن ماه ۱۳۷۸ برگزار شود، جبهه‌ی دوم خرداد برای دستیابی به هدف خود، علاوه بر تشدید تحرکات مطبوعاتی، حزبی مرکب از یکصد نفر از مسئولان بلندپایه‌ی دولتی به نام حزب جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی، به دبیرکلی برادر رییس جمهور تشکیل داد. هدف این حزب حمایت از رییس‌جمهور و در نهایت گام‌برداری در راهی بود که به تکمیل تسلط جبهه‌ی دوم خرداد بر حلقه‌های قدرت سیاسی متصل می‌شد.

وزیر برکنار شده‌ی کشور نیز با راه‌اندازی روزنامه‌ی خرداد، به یاری حزب مشارکت شتافت. محتوای روزنامه‌ی خرداد شاید افراطی‌ترین موضعی بود که توسط مقامی دولتی منتشر می‌شد. علاوه بر آن در خرداد ماه، ابتدا روزنامه‌ی جامعه و بعد روزنامه‌ی توس، که هر دو به طیف، نه چپ و نه راست ولی دوم خردادی تعلق داشت، توسط دادگاه مطبوعات توقیف شدند. این اولین برخورد قوه‌ی قضائیه با مطبوعات بود که بعدها نیز تداوم یافت. باید اشاره کرد که تقریباً از اواخر سال ۱۳۷۴، دادگاه مطبوعات با تشکیل هیئت منصفه تحرک جدیدی پیدا کرد و محاکمات مطبوعاتی آغاز و به تدریج به مسئله‌ی روز تبدیل شد.

جبهه‌ی دوم خرداد، که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در دست داشت،

بلافاصله پس از توقیف هر روزنامه‌ای روزنامه‌ی جدیدی به جای آن منتشر می‌ساخت. به علاوه برخی از روزنامه‌ها یا نشریه‌ها از صاحبان امتیاز اجاره و با همان محتوا و خط‌مشی روزنامه یا نشریه‌ی توقیف شده و با لحنی ستیزه‌جویانه منتشر می‌شدند. به علاوه در هیئت نظارت بر مطبوعات، نمایندگان دولت اکثریت داشتند و در دادگاه نیز هیئت منصفه می‌توانست دادگاه را به تعطیلی بکشاند و محاکمه‌ی مطبوعات را به تعویق اندازد. با این پشتوانه دست مطبوعات در نشر هر مطلبی کاملاً باز بود و دادگاه عملاً نمی‌توانست جز توقیف - که آن‌هم بار منفی داشت - اقدام مهمی انجام دهد. توقیف روزنامه یا هر نشریه‌ای که تا زمان محاکمه ادامه می‌یافت، در جامعه نوعی مظلومیت برای صاحب امتیاز ایجاد می‌کرد و وی مدعی بیگناهی و انجام قصاص قبل از جنایت در حق خود می‌شد.

در ۱۲ آذر ماه ۱۳۷۷، جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی نیز تعطیلی خود را اعلام داشت. این جمعیت اگر باقی می‌ماند شاید می‌توانست میاندار خوبی بین جناح‌های سیاسی درگیر باشد و نوعی موازنه‌ی سیاسی برقرار نماید. تعطیلی جمعیت و پیوستن برخی از اعضای شاخص آن (مانند احمد پورنجاتی) به حزب مشارکت و جبهه‌ی دوم خرداد، عملاً این عامل موازنه را حذف کرد. علت اصلی تعطیل جمعیت علاوه بر مشکلات روزمره آن بود که:

«ما جمعیت را در مقابل کارگزاران تشکیل دادیم، اما به تدریج دیدیم که بعضی اعضای خودمان از کارگزاران سبقت گرفته‌اند.»<sup>(۱)</sup>

در همین اوضاع طیفی که با جناح راست مخالف بود و برای تقویت خود به‌طور مصلحتی به جبهه‌ی دوم خرداد ملحق شده بود، در حال تقویت بود. محتوای روزنامه‌ی جامعه، پس از آن روزنامه‌ی توس و در نهایت روزنامه‌ی نشاط، نشان از این داشت که این طیف جبهه دوی خرداد را سکوی پرش خود قرار داده و قصد دارد با کسب موقعیت، در صورت امکان جایگزین جبهه‌ی دوم خرداد نیز بشود. اکثریت مجلس پنجم برای تقویت قوه‌ی قضائیه در مقابل عدم رعایت اخلاق

۱. گفت‌وگو با قائم مقام جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی، روح‌الله حسینیان، ۱۳۷۷/۹/۲۰



مطبوعاتی و سوءاستفاده از آزادی بیان و مطبوعات در اقدام مهم انجام داد؛ در گام اول در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۷۸، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را پس از حدود ۲۱ ماه وزارت پرتنش مطبوعاتی و مسبوق به اظهارنظرهای موافق و مخالف وزیر در مطبوعات و موضع‌گیری‌های مختلف شخصیت‌های سیاسی و مذهبی<sup>(۱)</sup> استیضاح کرد.

رهبری استیضاح را شخصیت‌های معروف جناح راست: حجة الاسلام سیدرضا تقوی دامغانی، حجة الاسلام سیدعلی اکبر موسوی حسینی، دکتر سیدمحمد حسینی، مهندس سیدمرتضی نبوی و مهندس محمدرضا باهنر به عهده داشتند. دلایل استیضاح علاوه بر عمل به اصل ۸۹ قانون اساسی، عبارت بود از:

«- فضای فرهنگی جامعه را آلوده به شیطنت‌ها، کینه‌افشانی‌ها، ابتذال‌خواهی‌ها و ستیزه‌گری با محوریت نظام و نیروهای مخلص نظام دیده‌ایم.

... دفاع از مطبوعات سالم، مخلص و متعهد... که به حرکت قلم و قلم‌دار اعتقاد دارند «ن والقلم و ما یسطرون» را عطیه‌ی الهی دانسته و نه وسیله برای تشنج‌آفرینی، حرمت‌شکنی و ایجاد اختلاف و بدبینی...

... حمایت از آزادی‌های مشروع و قانونی... و ما معتقدیم آن قلم‌هایی که از اندیشه‌های ناسالم مرکب خود را می‌گیرند، بیش از هر چیز آزادی را در معرض خطر قرار می‌دهند»<sup>(۲)</sup>.

در تبیین محورهای پیش گفته، هر یک از استیضاح‌کنندگان درباره‌ی وضعیت مطبوعات، وضعیت اهل قلم مورد حمایت وزارت ارشاد، ضعف مدیریت وزیر، رابطه‌ی وزیر با مجلس، وضعیت سینما، وضعیت نشر کتاب و موضع وزارت ارشاد در

۱. برای نمونه مراجعه شود به:

الف - مهاجرانی و تایتانیک، شلمچه، مرداد ۱۳۷۷

ب - طنز، صبح، تیر ۱۳۷۷

ج - تذکره، مهر، تیر ۱۳۷۷

د - بیانیه‌ی هیئت اسلامی هنرمندان، کیهان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۰

ه - عطاءالله مهاجرانی، مصاحبه با لوموند، سلام، ۱۳۷۷/۱۱/۲۵

۲. سیدرضا تقوی دامغانی و فریبرز اعتمادی (گردآورنده)، دکتر مهاجرانی از رأس اعتماد تا استیضاح، علم، تهران، ۱۳۷۸، ص ۶۶۳

مقابل راهبرد براندازی فرهنگی دشمنان انقلاب اسلامی از وزیر توضیح خواسته‌اند. به نظر استیضاح‌کنندگان: الف - در مطبوعات «برخی از قطعیات دین و اصول مربوط به دینداری نفی گردیده مانند دینی که در اختیار داریم ناقص است، وحی به دریافت‌های شخصی پیامبر تعبیر می‌شود، اعجاز قرآن، جاودانگی قرآن، اعتقاد به مهدی موعود، و واقعه‌ی خونبار الهی و اسلامی عاشورا، به جنگ قبیلگی و از دین به بیهوده‌ترین قوانین تعبیر می‌گردد.»<sup>(۱)</sup>

ب - وزیر با احیای کانون نویسندگان، تقدیم جایزه به نویسندگانی که به هیچ وجه مستحق دریافت جوایز نظام جمهوری اسلامی نبوده‌اند و با اجازه به کانون مزبور برای فعالیت مجدد، معاندان و سلطنت‌طلبان را بر قطار انقلاب سوار و موافقان و مخلصان انقلاب را از آن پیاده کرده است.<sup>(۲)</sup>

ج - وزیر «بیشتر شیر بیشه قلم است تا مرد میدان مدیریت... میزان اهتمام ایشان به کارهای شخصی و دغدغه‌های حزبی و عدم اشتغال جدی به امور اجرایی در مدت تصدی مقامات مهم کشوری گواه این مدعاست... دست‌هایی که سال‌های مدید در قلم زدن، نقد حال نوشتن و خط فکری دادن به کار گرفته شده است، امروز برای تویخ و تنبیه و ابلاغ دستور جهت مقابله با کجی‌ها و نارسایی‌ها و نیز تشویق و ترغیب نیروهای متعهد و مخلص قدری ظریف و لطیف است. استیضاح ما، نفی توانایی‌های وزیر محترم ارشاد نیست، بلکه عدم تجانس ایشان با کارهای مدیریتی و اجرایی مورد نظر است.»<sup>(۳)</sup>

د - «بنگرید به تازه‌ترین دست‌آوردهای وزارتشان، یعنی نامه‌ی ایشان به مجلس، در نامه‌ی ارسالی به ریاست محترم مجلس به اشکالات املائی، انشایی متن استیضاح اشاره نموده‌اند که الحق برای مجلس تا این حد سطحی‌نگری، عبارت‌پردازی و قالب‌مداری نوبر است. سابقه نداشته است که وزیری برای تخطئه‌ی استیضاح از آغاز این‌گونه شیوه‌ای پیشه کند و در غلط‌های املائی و انشایی اندیشه کند؛ دو غلط (۱۸)!... بی‌حرمتی به نمایندگان مجلس، علی‌الظاهر از ایشان تسری یافته و در سطوح پایین‌تر کار

۱. تقوی دامغانی در همان، ص ۶۶۷

۲. همان، صص ۶۷۰-۶۶۷

۳. سیدمحمد حسینی در همان، صص ۶۷۳-۶۷۱

به تجری کشیده، آن سان که در آمار انتشار یافته توسط معاونت سینمایی، در به اصطلاح نظر سنجی از خانواده‌های مجلس، مسئولان دولتی و مردم، خانواده‌های مجلس از فیلم‌های خنده‌آور دو برابر بیشتر از مردم و از فیلم‌های تفکرانگیز حدود ۲۰ درصد کمتر از مردم خوششان می‌آید. از فیلم‌های پلیسی بیش از ۱۵ درصد و از فیلم‌های جنگی بیش از دو برابر، از فیلم‌های عاطفی ۳۰ درصد کمتر و از فیلم‌های اجتماعی، سیاسی بیش از ۳۰ درصد کمتر از مردم... طبق آمار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجلسیان خشونت و سبک‌سری را دوست دارند و دیگران تفکر را.<sup>(۱)</sup>

ه- از لحاظ سینما آنچه با ایراد روبه‌رو شده این‌که: «کاهش محسوس تولید فیلم در سال ۷۷، رواج سطحی‌نگری و ابتذال، به گونه‌ای که بخشی از فیلم‌های محصول این تفکر والا اندیشان به تجدید فراش، دو زنه بودن، رواج سینمای فمینیستی، گفت‌وگوهای مستهجن مرد و زن، عشوه‌ها و کرشمه‌های اغواگر، نمایش چهره‌ها از نمای نزدیک با آرایش‌های غلیظی که در فیلم‌های غربی هم کمتر مشاهده می‌شود».<sup>(۲)</sup>

و- در حوزه‌ی کتاب، استیضاح‌کنندگان بیشتر به جواز نشر آثار مبتذل اعتراض داشته، آن را مغایر وظایف وزارت‌خانه دانسته‌اند.<sup>(۳)</sup>

ز- درباره‌ی یاری رساندن وزارت ارشاد به راهبرد براندازی فرهنگی به انواع نقل‌قول‌های داخلی و خارجی استناد شده که مضمون آن‌ها این است که جریان برانداز در داخل کشور با حمایت وزیر ارشاد فعال است. در این براندازی، که از راه تشنج‌آفرینی صورت گرفته، اقداماتی از قبیل حمله به نهادهای رسمی و قانونی مرتبط با امنیت (نیروی انتظامی، سپاه و وزارت اطلاعات)، تحریک تعصبات فرقه‌ای - سیاسی، تضعیف و توهین به شخصیت‌های جامعه، نیروهای مظلوم بسیجی و حزب‌اللّهی، تحریک به مقابله با نظام اسلامی، تشویق به قانون‌شکنی، القای جدایی بین ارکان نظام و طرح موضوعات تشنج‌آفرین صورت گرفته است و وزارت ارشاد نه تنها مانع نشده، بلکه

۱. همان، ص ۶۷۳

۲. همان، ص ۶۷۵

۳. سیدعلی‌اکبر موسوی حسینی در همان، صص ۶۸۵-۶۷۹

تشویق هم کرده است.<sup>(۱)</sup>

ح - سود ماهیانه‌ی ۱/۵ میلیارد تومانی سپرده متقاضیان عمزه مفرده، نزد سازمان حج و زیارت حیف و میل شده است.<sup>(۲)</sup>

وزیر در پاسخ به اظهارات استیضاح‌کنندگان، با مهارت خاصی از پاسخ دقیق به کلیه‌ی موارد طفره رفته، با جمع‌بندی از فعالیت خود<sup>(۳)</sup> و فعالیت‌های پیرامونی توانست بار دیگر از مجلس رأی اعتماد با اختلاف ۱۴ رأی کسب نماید. این کسب رأی نشان داد که با نزدیک شدن به انتخابات مجلس ششم و فضای طرفداری از دوم خرداد، مستقل‌ها در حال گرایش به جبهه‌ی دوم خردادند.

استیضاح وزیر در آن مقطع زمانی، که هرگونه اقدامی که کوچک‌ترین تعرضی به دولت داشت، مخالفت با خاتمی تعبیر می‌شد، در واقع نوعی خودکشی سیاسی بود. اکثریت نیز با آگاهی از این مطلب به استیضاح دست زد. در متن استیضاح نیز به این نکته اشاره شده بود: «مجلسیان گرامی! نوشته‌اند استیضاح‌کنندگان انتحار سیاسی کرده‌اند و دیگر در مجلس ششم جایی نخواهند داشت.»<sup>(۴)</sup>

و پاسخ داده شد:

«ما را از انتخاب نشدن نترسانید، حضور در انتخابات مجلس بر فرض هم که اگر واجب کفایی باشد، مبارزه با انحرافات و کجی‌ها واجب عینی است. جناب وزیر! ما وسیلت‌ساز و سیاست‌باز نیستیم که در هر دوره و دولتی وجاهت خاص آن مقطع را کسب کنیم، الحق که بعضی کارشان با فیلم و سینما سنخیت بسیار دارد. با چرخشی متناسب و نقشی جدید از ابتدای انقلاب تاکنون در همه‌ی دولت‌ها حضور داشته‌اند، آفرین بر این موقعیت‌شناسی و اغتنام فرصت.»<sup>(۵)</sup>

۱. سیدمرتضی نبوی در همان، صص ۶۹۶-۶۸۵

۲. محمد عظیمی در همان، صص ۷۰۰-۶۹۶

۳. مهاجرانی در همان، صص ۷۴۲-۷۰۰

۴. حسینی در همان، ص ۶۷۸

۵. همان، صص ۶۷۹-۶۷۸

مطبوعات دوم خرداد رأی اعتماد مجدد مجلس به وزیر ارشاد را پیروزی بزرگی برای خود و شکستی سنگین برای جناح رقیب به حساب آوردند. اظهار شادمانی از شکست رقیب و پیروزی جبهه‌ی دوم خرداد به زبان سرمقاله، مقاله، گزارش خبری، طنز سیاسی، مطالب فکاهی و پیام مردم منعکس گردید.<sup>(۱)</sup>

گام بعدی اکثریت مجلس، اصلاح قانون مطبوعات بود. در قانون مطبوعات موجود در آن زمان چند نکته مطرح بود: الف - هیئت منصفه در دادگاه مطبوعات نقش عمده‌ای داشت و می‌توانست با رأی خود بر نتیجه‌ی دادگاه هر نشریه اثر گذارد. در واقع رأی به محکومیت یا برائت یا محکومیت با تخفیف، منوط به نظر هیئت منصفه بود و قاضی دادگاه قاعدتاً می‌بایست نظر هیئت منصفه را با مقررات مربوطه تطابق داده، حکم را صادر نماید.

ب - می‌توانست با عدم حضور خود دادگاه را به تأخیر اندازد. این مورد در اوایل سال ۱۳۷۸ برای محاکمه چند نشریه اتفاق افتاد. برخی از اعضای دوم خردادی هیئت منصفه، بنا به دلایل مختلف از حضور در دادگاه امتناع کردند و دادگاه در جلسات متعدد خود تشکیل نشد و محاکمه به تأخیر افتاد.

ج - ترکیب هیئت منصفه نیز مسئله‌ای مهم بود. اعضای هیئت منصفه را رییس دادگستری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر کشور تعیین می‌کردند. پس از یک دوره و آغاز ریاست جمهوری خاتمی، نسبت اعضای دوم خردادی هیئت منصفه به اعضای نماینده‌ی دادگستری فزونی یافت.

د - ترکیب هیئت نظارت بر مطبوعات نیز تقریباً حالت دولتی داشت و نمایندگان دادگستری، وزارت ارشاد و کشور در آن حضور داشتند.<sup>(۲)</sup>

۱. برای نمونه مراجعه شود به:

الف - پیام امروز، اردیبهشت ماه ۱۳۷۸

ب - جهان اسلام، ۱۳۷۸/۲/۱۲

ج - باطل السحر در ساعت پنج عصر، آریا، ۱۳۷۸/۲/۱۲

د - سیدابراهیم نبوی، نتایج استیضاح، آریا، ۱۳۷۸/۲/۱۲

ه - داود محمدی، عبرت‌های استیضاح، صبح امروز، ۱۳۷۸/۲/۱۲

۲. مراجعه شود به: قانون مطبوعات و نحوه انتخاب اعضای هیات منصفه، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ←

اکثریت مجلس با هدف کنترل مطبوعات، اصلاحی در قانون مطبوعات به عمل آورد. در این اصلاحیه: الف) هیئت نظارت بر مطبوعات گسترده‌تر شد. نمایندگان نهادهای فرهنگی دیگر مانند سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه‌های علمیه نیز، به عنوان مثال، به عضویت هیئت نظارت در می‌آمدند.

ب) قاضی در برگزاری دادگاه از قدرت بیشتری برخوردار شد. مطابق این قانون قدرت مانور از اعضای هیئت منصفه سلب می‌گردید و قاضی می‌توانست در هر صورت محاکمه را انجام بدهد.

ج) رأی هیئت منصفه تا حد زیادی حالت مشورتی یافت و قدرت صدور حکم توسط قاضی بیشتر گردید.<sup>(۱)</sup>

به محض مطرح شدن خبر تنظیم چنین طرحی، جبهه‌ی دوم خرداد حملات شدیدی علیه آن آغاز کرد. ادعای جبهه‌ی دوم خرداد این بود که با این طرح، اکثریت مجلس قصد تحدید آزادی مطبوعات را دارد. این ادعا پوشش وسیع مطبوعاتی - تبلیغاتی یافت تا جایی که حتی برخی نمایندگان جناح اکثریت نیز از حمایت و دادن رأی مثبت به آن ترسیده بودند. در نتیجه جناح اکثریت طرح مزبور را در دو مرحله به رأی گذاشت.

در همان زمان فضای سنگینی علیه معاون فوت شده‌ی سابق امنیت کشور وزارت اطلاعات زمان فلاحیان، سعید امامی، ساخته شده بود. در ساخته شدن این فضا، سیاست فرهنگی ادعایی نامبرده دایر بر قلع و قمع مخالفان فرهنگی و دگراندیشان محوریت داشت. جبهه‌ی دوم خرداد علی‌رغم فضایی که علیه طرح اصلاح ساخته بود، با اصرار اکثریت بر بررسی کردن و به رأی گذاشتن طرح مواجه بود و در این زمینه خود را شکست خورده می‌دید. بنابراین برای بر زمین زدن حریف باید راه دیگری در پیش می‌گرفت.

جناح اکثریت در داخل مجلس با مشکل مستقل‌ها نیز مواجه بود. مستقل‌های مجلس هنوز امیدوار بودند که در صورت اتخاذ خط مشی بینابین، شانس بیشتری برای ورود به

→ تهران، ۱۳۷۹، صص ۱۲-۳۹

۱. مراجعه شود به: همان‌جا

دوره‌ی ششم مجلس خواهند داشت؛ به همین دلیل در دادن رأی مثبت به لایحه مردد بودند. بنابراین اکثریت مجلس، در روزهای ۱۵ و ۱۶ تیرماه ۱۳۷۸، کلیات طرح را بررسی کرد و تصویب جزئیات طرح را به بعد از مشخص شدن نتیجه‌ی انتخابات مجلس ششم موکول کرد.

سرانجام کلیات طرح در شانزدهم تیرماه ۱۳۷۸ با حمایت ریاست مجلس، که «درباره‌ی ضرورت اصلاح قانون مطبوعات سخن گفت»،<sup>(۱)</sup> تصویب گردید. جبهه‌ی دوم خرداد که تلاش‌های خود را برای به تصویب نرسیدن طرح شکست خورده می‌دید، تلاش کرد طرح را پیشنهاد سعید امامی معرفی کند تا از یک سواز بار مثبت آن بکاهد و از سوی دیگر نهایت بهره‌برداری را از آن به نفع خود بنماید. این بهترین نقطه‌ای بود که در آن امکان زمینگیر کردن رقیب مسلط بر مجلس وجود داشت؛ به سادگی رقیب همدست سعید امامی، مخالف آزادی، طرفدار خشونت و شریک قاتلان قتل‌های زنجیرهای قلمداد می‌گردید.

در روزنامه‌ی صبح سلام، به مدیریت حجة الاسلام موسوی خوئینی‌ها، عضو مجمع روحانیون مبارز تهران، ۱۶ تیرماه ۱۳۷۸ در صفحه‌ی اول، نامه‌ای محرمانه از وزارت اطلاعات چاپ شد که به استناد محتوای آن ادعا شده بود که طرح اصلاح قانون مطبوعات از طرف سعید امامی تهیه شده است. بلافاصله وزارت اطلاعات از روزنامه‌ی سلام به دلیل چاپ سند محرمانه‌ی آن وزارت‌خانه، به دادگاه ویژه روحانیت شکایت کرد. دادگاه ویژه نیز روزنامه‌ی سلام را توقیف کرد. در شامگاه ۱۷ تیرماه ۱۳۷۸، عده‌ای از دانشجویان در کوی دانشگاه تهران، در اعتراض به توقیف روزنامه‌ی سلام تجمع اعتراض‌آمیز برپا کردند، این تجمع نقطه‌ی آغاز بحرانی بود که به بحران کوی دانشگاه معروف شد.

پس از این تجمع و درگیری‌های بعدی بین نیروی انتظامی و دانشجویان، سحرگاه ۱۷ تیرماه، بخشی از نیروی انتظامی به خوابگاه دانشجویان حمله کرد. مضروب شدن

۱. اداره تدوین مذاکرات مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی.

دوره پنجم، جلسه ۲۹۵، ۱۳۷۸/۴/۱۶، صص ۳۳-۳۶

دانشجویان شورش را تداوم بخشید و به تدریج شهرهای دیگری نیز دچار تشنج شد و در دانشگاه تبریز یک نفر کشته شد. این بحران به مدت پنج روز تداوم یافت و سرانجام با دخالت رهبری، مردم و نیروهای مردمی به پایان رسید.

آنچه از این بحران در مطالعه‌ی ما حائز توجه است، بهره‌برداری جناح‌های سیاسی از بحران است. جبهه‌ی دوم خرداد در تبلیغات وسیع خود مدعی شد که بحران کوی دانشگاه، دنباله‌ی قتل‌های زنجیره‌ای است و برای مقابله با دولت خاتمی طراحی شده است.<sup>(۱)</sup> پی‌گیری بحران در شورای عالی امنیت ملی، به عزل فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ منجر شد. به علاوه وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت، رییس وقت دانشگاه تهران و برخی مدیران دیگر در اعتراض به این واقعه، به طور موقت از سمت خود استعفا کردند. همه‌ی این تحولات، به اضافه‌ی پی‌گیری‌های اطلاعاتی و قضایی، خوراک مطبوعات انتقادی دوم خرداد شد و توانستند با بهره‌گیری از این موقعیت، رقیب را به شدت تحت فشار قرار دهند. جناح راست در این حادثه در موضع کاملاً انفعالی قرار گرفت.

اکثریت مجلس تلاش کرد از یک سو از سعید امامی تبری بجوید و از سوی دیگر با تصویب طرح تحقیق و تفحص از حادثه، ضمن بیان دیدگاه خود، خواستار مجازات عاملان حادثه شود.<sup>(۲)</sup> اما علی‌رغم همه‌ی تلاش‌ها، این جناح همچنان در موضع اتهام باقی ماند. این جریان نیز موجب شد جناح اکثریت مجلس در ماه‌های نزدیک به انتخابات، در موضع متزلزلی قرار گیرد.

با این وجود، جناح اکثریت از فعالیت برای حفظ حاکمیت خود بر مجلس آینده دست نکشید. مهم‌ترین ابزاری که اکثریت از آن بهره جست، اصلاح قانون انتخابات

۱. برای آگاهی از چنین خط تبلیغاتی برای نمونه مراجعه شود به:

الف - حق اعتراض را به رسمیت بشناسیم، خرداد، ۱۳۷۸/۴/۲۰

ب - گفت و شنودی پیرامون وقایع چند روز اخیر با صاحب‌نظران، صبح امروز، ۱۳۷۸/۴/۲۳

۲. برای آگاهی از چنین موضعی برای نمونه مراجعه شود به:

الف - دشمنان انقلاب در پیوند با گروه‌های مطرود «پرونده‌ی جنازه» را برای آغاز هجوم نهایی به نظام

اسلامی سازماندهی کرده‌اند، رسالت، ۱۳۷۸/۴/۲۶

ب - فاطمه رجبی، حادثه‌ی کوی دانشگاه در اثر عدم پابندی به قانون شکل گرفت، رسالت، ۱۳۷۸/۵/۳



مجلس بود. در این راستا دو بار در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۷۸، قانون انتخابات مجلس اصلاح گردید. بیشتر این اصلاحات حول نحوه‌ی تبلیغات انتخاباتی و میزان اختیارات اجرایی شورای نگهبان دور می‌زد. در دی ماه ۱۳۷۸، حدود یک‌ماه مانده به انتخابات جناح راست، هنگام بحث درباره‌ی اصلاح قانون انتخابات، اکثریت مجلس با شعار کاهش هزینه‌ی انتخابات پیشنهاد یک مرحله‌ای کردن انتخابات و تبدیل اکثریت مطلق به اکثریت نسبی را مطرح کرد. نمایندگان طیف اکثریت از این پیشنهاد حمایت کردند، اما اقلیت مجلس مانع تصویب کل پیشنهاد گردید<sup>(۱)</sup> و به اکثریت نسبی اکتفا شد. گمان اکثریت آن بود که با شناخت بیشتری که در جامعه از آن جناح وجود دارد، افکار عمومی در مرحله‌ی اول، اکثریت را از آن جناح انتخاب خواهد کرد، ولی در انتخابات دو مرحله‌ای فرصت برای فعالیت رقیب بیشتر است. آگاهی رقیب از این موضوع موجب مقاومت گردید.

در همین زمان بحث ورود هاشمی رفسنجانی به صحنه‌ی مبارزات انتخاباتی مطرح شد. حمایت حزب کارگزاران از ورود هاشمی به انتخابات، به دلیل رابطه‌ی معنوی حزب با وی طبیعی به نظر می‌رسید. جناح راست هم وجود هاشمی را در مجلس مفتنم می‌شمرد. اگر هاشمی می‌توانست وارد مجلس شود، به طور قطع می‌بایست در سمت ریاست مجلس قرار می‌گرفت. ریاست هاشمی بر مجلس ششم می‌توانست سدی در مقابل هجوم هر چه بیشتر جبهه‌ی دوم خرداد بر ضد جناح راست ایجاد کند و حضور هاشمی در هیئت ریسه می‌توانست تا حد زیادی مانع تحقق اهدافی گردد که جبهه دوم خرداد قصد داشت از طریق تهیه و تصویب طرح‌ها یا لوایح دولت بدان دست یابد. جبهه‌ی دوم خرداد با درک این موضوع، ورود هاشمی را به مجلس خطر بزرگی برای خود به حساب آورد و به طور جدی علیه آن وارد عمل گردید.

برخورد جبهه‌ی دوم خرداد با هاشمی، با استفاده از تاکتیکی بسیار ظریف و در عین حال پیچیده صورت گرفت. حزب مشارکت، پیاده نظام دست‌چندم خود را به جنگ

۱. اداره تدوین مذاکرات مجلس شورای اسلامی، مراجعه شود به: روزنامه رسمی، مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلسه‌ی ۳۴۹، ۱۳/۱۰/۱۳۷۸، صص ۱۹-۲۵

هاشمی رفسنجانی فرستاد که شخصیتی استوانه‌ای در انقلاب و حکومت بود، از این روی هاشمی در مقابل مشکلی صعب قرار گرفت. وی نمی‌توانست خود را مقابل پیاده نظام قرار دهد؛ چرا که وی سواره نظامی قدیمی به حساب می‌آمد و اگر مقابل پیاده نظام دوم خرداد قرار می‌گرفت، در افکار عمومی مطرح می‌گردید که فردی قوی به جنگ چند فرد ضعیف آمده است و آنان ادعای مظلومیت می‌کردند. اگر مبارزه نمی‌کرد، می‌بایست شاهد تخریب خود می‌بود. با این وجود هاشمی رفسنجانی وارد عرصه‌ی مبارزات انتخاباتی گردید.

جبهه‌ی دوم خرداد، که در طول دو سال گذشته برای تصاحب مجلس تلاش زیادی انجام داده بود و حتی طرح استانی شدن انتخابات مجلس و شعار ایران برای همه‌ی ایرانیان را مطرح کرده بود، به طور جدی با هاشمی مقابله کرد. دقیقاً از همین زمان بود که برخی مطبوعات جبهه‌ی دوم خرداد، در پوشش نقد عملکرد دوران سازندگی به تخریب رقیب تازه وارد پرداختند. در این میان جبهه‌ی دوم خرداد در سه محور فعالیت کرد؛ یکی این‌که توسط شاخه‌های مختلف خود شعار لزوم نقد عملکرد هاشمی را مطرح و از او برای مناظره دعوت کرد. برای مثال دفتر تحکیم وحدت اعلام کرد:

«دفتر تحکیم وحدت از حضرت عالی به عنوان یکی از کاندیداهای مجلس ششم در حوزه‌ی انتخابیه‌ی شهر تهران دعوت می‌کند در هر یک از دانشگاه‌های تهران که خود مایلید حضور یافته و به انبوه سؤالات جوانان و دانشجویان پاسخ دهید. همچنین از شما به‌طور رسمی دعوت به عمل می‌آید تا در سمینار نقد «هشت سال دولت هاشمی رفسنجانی» حضور یافته و در فضایی دور از غوغا سالاری و گفت و گویی مبتنی بر منطق و عدد و رقم به انتقادات و ابهامات پاسخ گوید.»<sup>(۱)</sup>

فارغ از نفس ارزیابی عملکرد دولت هاشمی، به‌کارگیری لحنی این‌گونه در مقابل هاشمی سابقه‌ی چندانی نداشت و نوعی مبارزه‌طلبی به حساب می‌آمد. جبهه‌ی دوم خرداد، بار دیگر همین لحن را تا قطعی شدن نتایج انتخابات تهران پی گرفت. برای مثال

یکی از اعضای به نسبت بلندپایه‌ی حزب مشارکت اظهار داشت:

«آقای هاشمی احساس می‌کند دوره‌ی ایشان سپری شده است. امروز برای مردم مسائل دیگری مطرح است. نظرسنجی‌ها هم نشان می‌دهد مردم نسبت به دورانی که ایشان روی کار بودند بدبین هستند. مردم احساس می‌کنند آن دوران جز بدهی‌های خارجی نداشته است. آقای هاشمی فکر می‌کند جامعه، دوران ایشان را فراموش کرده است؛ در حالی که این فکر اشتباه است. مخالفان آن دوره به موقع به عملکرد ایشان خواهند پرداخت.

... مطبوعات در این دوره دو بمب منفجر کردند؛ یکی از بمب‌های مطبوعاتی قضیه‌ی ثروت‌های بادآورده و آقای کرباسچی بود و پیگیری قضیه‌ی قتل‌ها. خوب ایشان چرانمی‌رود به این قضیه‌ها پاسخ دهد. چون این‌ها معمولاً عادت ندارند پاسخ دهند. این‌ها فقط دوست دارند حرف بزنند و یک عده هم حرف آن‌ها را گوش کنند.»<sup>(۱)</sup>

همین عضو حزب مشارکت در جای دیگری اظهار داشت:

«... آقای هاشمی به شدت به صندلی چسبیده است... من گفته‌ام ممکن است حتی با ناطق‌نوری هم ائتلاف کنیم، اما ائتلاف با هاشمی را درست نمی‌دانم.»<sup>(۲)</sup>

این مطالب آغازگر بحثی شد که بیشترین تأثیر را بر کاهش رأی هاشمی در انتخابات گذاشت. یکی دیگر از وابستگان جبهه‌ی دوم خرداد، با نوشتن زنجیره‌ای از مطالب، عمدتاً در روزنامه‌ی صبح امروز، با انتشار برخی اطلاعات محرمانه یا بر پایه‌ی آن‌ها، بر مبنای موضوع تاریخی عالی‌جنابان هاشمی را عالی‌جناب سرخ‌پوش نامید و تمامی قضایای نامطلوب کشور، از جمله قتل‌های زنجیره‌ای را متوجه وی دانست. این مطالب بعداً در کتابی به همین نام منتشر شد<sup>(۳)</sup> و در فرصتی کوتاه به چند چاپ رسید و در اختیار عموم قرار گرفت. جذابیت افشاگری‌های انجام شده در این کتاب و آثار مشابهی

۱. عباس عبدی در اخبار اقتصاد، ۱۳۷۸/۶/۱۸

۲. عبدی، اخبار اقتصاد، ۱۳۷۸/۸/۳

۳. مراجعه شود به: اکبر گنجی، عالیجناب سرخ‌پوش و عالیجنابان خاکستری، طرح نو، تهران، ۱۳۷۸

نظیر تاریخ‌خانه‌ی اشباح<sup>(۱)</sup> موجب گردید که در فضای آن زمان به یکباره شأن اجتماعی هاشمی رفسنجانی در نگاه مردم به عنوان ام‌المصائب و مادر مشکلات کشور تنزل یابد. در همین ارتباط اعلام شد که «اگر هاشمی موافق نبود نظارت استصوابی تصویب نمی‌شد»،<sup>(۲)</sup> «ملاک‌های تصمیم‌گیری هاشمی رفسنجانی برای دوستان ایشان هم روشن نیست»،<sup>(۳)</sup> «هاشمی رفسنجانی به علت عدم مواضع جدی مورد سؤال است»،<sup>(۴)</sup> «هاشمی رفسنجانی به لحاظ سیاسی و اجتماعی نیرویی مصرف شده است»،<sup>(۵)</sup> «نیازی به حضور هاشمی رفسنجانی در مجلس نیست»،<sup>(۶)</sup> «محافظه‌کاران می‌خواهند از طریق هاشمی رفسنجانی جلوی اصلاحات را بگیرند»،<sup>(۷)</sup> «هاشمی رفسنجانی در شرایط بسیار بدی به صحنه بازگشته است»،<sup>(۸)</sup> «هاشمی فکر می‌کند می‌تواند مردم را به هر شکلی که می‌خواهد در آورد»،<sup>(۹)</sup> «هاشمی رفسنجانی اکنون در معرض آزمایش قرار گرفته است»،<sup>(۱۰)</sup> «هاشمی رفسنجانی یک فرد خودسر است». (۱۱)

نیز یکی از مطبوعات پرتیراژ جبهه‌ی دوم خرداد در نوشتاری با عنوان «برنامه‌ی سیاسی آقای هاشمی رفسنجانی»، الگوی سیاسی مطلوب هاشمی را «دولت آمرانه‌ی دیوانسالار» نامید که این ویژگی‌ها را دارا است: حاکمیت دیوانسالاران، مشارکت نفوذی، انحصار سیاسی، سیاست‌زدایی و تسهیل شکل‌گیری انحصارات اقتصادی و ورود سرمایه‌های خارجی به اقتصاد.<sup>(۱۲)</sup> این مطالب درباره‌ی هاشمی، که مشتی نمونه‌ی

۱. مراجعه شود به: گنجی، تاریخ‌خانه اشباح (آسیب‌شناسی گذار به دولت دموکراتیک توسعه‌گرا)، طرح نو، تهران، ۱۳۷۸

۲. عبدی، اخبار اقتصاد، ۱۳۷۸/۱۰/۱۵

۳. عبدی، عصر آزادگان، ۱۳۷۸/۹/۱

۴. بدالله اسلامی، اخبار اقتصاد، ۱۳۷۸/۹/۲۱

۵. حسن یوسفی اشکوری، اخبار اقتصاد، ۱۳۷۸/۱۰/۲۵

۶. احمد بورقانی، صبح امروز، ۱۳۷۸/۸/۲۰

۷. احمد زیدآبادی، صبح امروز، ۱۳۷۸/۹/۲

۸. غلامعباس توسلی، صبح امروز، ۱۳۷۸/۱۰/۲

۹. عبدی، عصر آزادگان، ۱۳۷۴۸/۹/۲۹

۱۰. حمیدرضا جلائی پور، آفتاب امروز، ۱۳۷۸/۱۰/۷

۱۱. عبدی، جبهه، ۱۳۷۸/۸/۲۹

۱۲. برنامه‌ی سیاسی آقای هاشمی رفسنجانی، صبح امروز، ۱۳۷۸/۱۰/۵

خروار است، به شدت وی را در موضع اتهام قرار داد.

جالب این‌که در این فضا، جناح راست بیشتر از هاشمی حمایت کرد و حزب کارگزاران به طور جدی در پشتیبانی از وی ظاهر نشد. دفاع کارگزاران از هاشمی، به حمایت خانوادگی یا برخی از هواداران وی محدود گردید. مثلاً حجة الاسلام عبدالمجید معادیخواه، حضور هاشمی را در انتخابات فداکاری دانست و اعلام داشت: «هاشمی فداکار است»<sup>(۱)</sup> یا اظهار شد که «طرفداران تقابل میان هاشمی و خاتمی، اهداف دست‌های پنهان را دنبال می‌کنند»<sup>(۲)</sup> «حضور یک فرد نباید تعادل یک جناح قدرتمند را بر هم زند»<sup>(۳)</sup> «هاشمی رفسنجانی عضو هیئت امنای انقلاب است»<sup>(۴)</sup> و «هاشمی نباید بدون استدلال جدی زیر سؤال برود»<sup>(۵)</sup>.

به علاوه هنگام مبارزات انتخاباتی در تهران، رقبای هاشمی با مونتاز تصویری از فائزه هاشمی، که با لباس خاصی در میان جمعی از دانش‌آموزان دختر حضور داشت و پخش آن در مناطق مذهبی نشین‌تر تهران، وانمود کردند که «روحانی‌ای که قدرت کنترل دختر خود را ندارد، چگونه می‌خواهد رییس مجلس شود». همین قضیه به اضافه‌ی دامن زدن به شایعات سوءاستفاده‌های مالی کارگزاران یا فرزندان هاشمی موجب گردید که باز هم هاشمی در انظار عمومی کاهش جایگاه پیدا کند.

جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران نام هاشمی را در فهرست خود قرار داد. همین را نیز مطبوعات دوم خرداد برای هاشمی بدنامی به حساب آوردند و اعلام داشتند که «حمایت جناح راست از هاشمی رفسنجانی به ضرر او تمام می‌شود»<sup>(۶)</sup> با این زمینه‌سازی‌ها، هر چه زمان برگزاری انتخاب مجلس ششم نزدیک‌تر می‌شد، از شانس هاشمی برای پیروزی در انتخابات کاسته می‌شد. وقتی انتخابات برگزار شد، شایعه شد که هاشمی رفسنجانی نفر سی‌ام فهرست تهران شده است. بلافاصله عنوان «آقاسی» برای وی

۱. عبدالمجید معادیخواه، هاشمی فداکار است، آفتاب امروز، ۱۳/۱۰/۱۳۷۸

۲. معادیخواه، انتخاب، ۱۳۷۸/۱۱/۵

۳. امیر محیبیان، انتخاب، ۱۳۷۸/۱۱/۵

۴. محمدرضا باهنر، مشارکت، ۱۳۷۸/۱۱/۱۰

۵. سیدحسین مرعشی، مشارکت، ۱۳۷۸/۱۱/۱۱

۶. علی شکوری راد، مشارکت، ۱۳۷۸/۱۱/۳

ساخته و پخش گردید. در فرهنگ عامه، لطیفه‌گویی هم جذابیت دارد و هم به سرعت منتقل گشته، رایج می‌شود. لفظ «آقاسی» به سرعت در همه جا پخش شد و هاشمی را باز هم یک پله تنزل داد. حتی اقدامات قانونی شورای نگهبان در رسیدگی به شکایت‌ها، باز شماری برخی صندوق‌های تهران و درگیری با وزارت کشور بر سر آن و تغییر مکان برخی نامزدها تلویحاً و صریحاً در چارچوب تلاش برخی نهادها برای راهیابی هاشمی به مجلس تعبیر شد.

نتیجه‌ی انتخابات مجلس ششم قرار گرفتن جناح راست در اقلیت بود و جبهه‌ی دوم خرداد اکثریت پیدا کرد؛ چرا که رفتار انتخاباتی مردم غالباً لیستی بود. اغلب مردم به فهرست حزب مشارکت رأی دادند و تنها دو نامزد از فهرست جناح راست توانستند به مجلس راه یابند. این دو نفر عبارت بودند از هاشمی رفسنجانی و دکتر حداد عادل. پس از تثبیت ورود هاشمی به مجلس در انتخابات تهران، بلافاصله جبهه‌ی دوم خرداد تلاش دیگری برای انصراف هاشمی آغاز کرد.

این جبهه از زبان اعضای خود تلویحاً هاشمی را تهدید کرد<sup>(۱)</sup> که در مجلس به اعتبارنامه‌ی وی اعتراض خواهد کرد. هاشمی رفسنجانی در این مرحله یا می‌بایست وارد مجلس می‌شد و در مقابل اعتراض به اعتبارنامه‌اش پاسخ می‌داد و در نهایت یا اعتبارنامه‌اش رد می‌شد که این شکست سختی برای وی محسوب می‌شد، یا اعتبارنامه‌اش تصویب شده، به عنوان نماینده‌ای عادی برای ریاست مجلس تلاش می‌کرد. در این صورت نیز احتمال زیادی وجود داشت که وی به ریاست انتخاب نشود و به عنوان نماینده‌ای عادی در مجلس حضور یابد، که باز هم این شکستی برای وی به حساب می‌آمد. راه دوم انصراف از حضور در مجلس بود که هاشمی با محاسبات پیش گفته، یک روز مانده به افتتاح مجلس ششم، در ۶ خرداد ۱۳۷۹ انصراف خود را از حضور در مجلس اعلام کرد. انصراف رفسنجانی نگرانی جبهه‌ی مشارکت و دوم خرداد را به طور کلی رفع کرد و این جبهه توانست با تشکیل اکثریتی مرکب از کارگزاران، جبهه‌ی مشارکت، مجمع روحانیون و سایر تشکل‌های دوم خردادی، اکثریتی در برابر اقلیت

جناح راست (نمایندگان مورد حمایت ائتلاف پیروان خط امام و رهبری) قرار دهد. البته مطابق سابق در مجلس ششم، فراکسیونی از مستقل‌ها نیز حضور یافت.

جناح راست که برای شرکت یکپارچه‌ی تشکل‌های خود در انتخابات علاوه بر اقدامات قانونی در داخل مجلس، ائتلافی از آنان به نام ائتلاف پیروان امام و رهبری تشکیل داده بود و در سراسر کشور نیز نامزد معرفی کرده بود، در نهایت اقلیتی را به مجلس فرستاد که اغلب نمایندگان منتخب شهرستان‌ها بودند. به غیر از یک نفر از تهران، بقیه‌ی نامزدهایی که از شهرستان‌ها انتخاب شدند همگی از افراد رتبه‌ی سوم جناح راست بودند. به همین دلیل اقلیت جناح راست در مجلس ششم از لحاظ توان مانور، ضعیف ارزیابی گردید و مدت‌ها طول کشید تا این اقلیت بتواند در مجلس در مقابل اکثریت عرض اندام کند.

نهاد ناظر انتخابات در بررسی صحت انتخابات شهرهای مختلف، صحت انتخابات را در پاره‌ای از حوزه‌ها ابطال کرد و انتخابات تهران نیز در آستانه‌ی ابطال قرار گرفت. اعلام و ابطال انتخابات در برخی شهرها موجب بروز اغتشاش گردید. بروز اغتشاش که شاهده‌ی برای بی‌ثباتی سیاسی است، در ۲ اسفند ماه ۱۳۷۸ و در شهرهای شادگان، بروجن و شوش روی داد. در شادگان علاوه بر تخریب برخی ساختمان‌های دولتی، بسیاری از اموال مردم به سرقت رفت و ده‌ها دستگاه خودرو متعلق به نهادها و ادارات دولتی به آتش کشیده شد، در شوش به ساختمان فرمانداری تعرض و به آن سنگ‌پرانی شد، یک بانک و کتاب‌خانه‌ی امور تربیتی به آتش کشیده شد و شیشه‌های ساختمان فرمانداری، اداره‌ی پست، آب و فاضلاب، دو بانک و تعدادی مغازه شکسته شد و ۱۵ تا ۲۰ نفر در ناآرامی‌ها زخمی شدند و در شهر بروجن نیز به فرمانداری حمله شد و شیشه‌ی تعدادی از مدارس شکسته شد.<sup>(۱)</sup>

همچنین عده‌ای از مردم میناب، جاسک و رودان در اعتراض به ابطال انتخابات شهرستان‌های خود در مقابل وزارت کشور تجمع کردند،<sup>(۲)</sup> در شهرستان‌های باشت و

۱. انتخاب، ۱۳۷۸/۱۲/۲۶

۲. انتخاب، ۱۳۷۸/۱۲/۲۶

گچساران نیز در اعتراض به ابطال انتخابات توسط شورای نگهبان تجمع اعتراض آمیزی شکل گرفت و شیشه‌ی برخی ادارات و بانک‌ها شکسته شد.<sup>(۱)</sup> با این وجود سرنوشت انتخابات تهران به دلیل شکایت‌ها و انتشار پاره‌ای از گزارش‌ها دال بر وقوع تقلب، مورد چالش جدی دو جناح سیاسی و وزارت کشور و شورای نگهبان قرار گرفت و احتمال ابطال آن قوت گرفت.

شورای نگهبان به منزله‌ی نهاد ناظر انتخابات، پس از بازشماری پاره‌ای صندوق‌ها و تشخیص این‌که احتمالاً تقلب در حوزه‌های انتخاباتی به‌طور گسترده وجود داشته باشد و بازشماری آرا طولانی خواهد شد، سرانجام از داور نهایی (مقام رهبری) درخواست حل مشکل را کرد که مقام رهبری با حکم حکومتی خود مشکل انتخابات تهران را حل کردند. به این ترتیب مجلس ششم در هفتم خرداد ماه ۱۳۷۹ در حالی تشکیل شد که جناح اکثریت آن را جبهه‌ی دوم خرداد تشکیل می‌داد.

## ۲- از شکل‌گیری مجلس ششم شورای اسلامی تا تشکیل دولت دوم خاتمی

مجلس ششم شورای اسلامی دبیر کل مجمع روحانیون را به ریاست، عضو موثر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، بهزاد نبوی، را به نیابت اول و دبیر کل حزب مشارکت را به نیابت دوم ریاست برگزید و هیئت ریسه و کمیسیون‌ها را به نمایندگان دوم خردادی واگذار کرد. تسلط بر قوه‌ی مقننه توسط جبهه‌ی دوم خرداد، مقدمه‌ی پیشروی به سوی اهداف بعدی بود که سران جبهه‌ی دوم خرداد بدان می‌اندیشیدند. مهم‌ترین این اهداف حفظ قدرت خود بر قوه‌ی مجریه بود که با در دست داشتن سمت ریاست‌جمهوری دوره‌ی هشتم مسجل می‌گردید.

جبهه‌ی دوم خرداد در این مرحله‌ی تازه از رقابت، براساس راهبرد خود برای حفظ تسلط بر مناصب نظام، از ابزارهای مختلف برای بهره‌گیری از حوادث مختلف استفاده کرد. جبهه‌ی دوم خرداد با در دست‌گیری مجلس، امکان مهمی را، که همان مجلس باشد، به دست آورد، اما امکان دیگری را از دست داد؛ تا زمانی که مجلس در اختیار



جناح راست بود، این جبهه می‌توانست ناکارآمدی خود را به گردن جبهه‌ی رقیب بیندازد، اما وقتی مجلس را در اختیار گرفت ادعای سابق به تدریج پذیرش خود را در جامعه از دست داد. از طرف برخی سران جبهه‌ی دوم خرداد نیز به این نکته اشاره شد. جبهه‌ی دوم خرداد تلاش کرد برای باقی ماندن در قدرت سیاسی از توانمندی‌های مختلف استفاده کند.

یکی از وقایع مهمی که ۲۳ روز پس از شکست جناح راست در انتخابات مجلس شورای اسلامی ششم روی داد، سوء قصد به جان سعید حجاریان، نایب رئیس شورای اسلامی شهر تهران، مدیرمسئول روزنامه‌ی صبح امروز، یکی از طراحان اصلی جبهه‌ی دوم خرداد، مشاور اعظم رئیس‌جمهور و از سامان‌دهندگان اصلی مبارزات انتخاباتی مجلس ششم در ۲۲ اسفند ماه ۱۳۷۸ بود. این حادثه به شدت فضای سیاسی ایران را تحت تأثیر قرار داد.

زمینه‌های قبلی برخورد دو جناح سیاسی کشور امکان بهره‌برداری از حادثه را به شدت فراهم کرده بود. جناح راست که پس از دوم خرداد انسجام خود را از دست داده بود و در انتخابات مجلس نیز نتوانسته بود شخصیت‌های اصلی خود را به مجلس بفرستد، از لحاظ وحدت رویه در مشی سیاسی و مطبوعاتی در سردرگمی عجیبی به سر می‌برد. در واقع بیش از هر چیز حرکات مقطعی و پراکنده این جناح را آسیب‌پذیر کرده بود.

مهم‌ترین اتهام جناح راست، خشونت‌طلبی و تئوریزه کردن خشونت بود. این بهانه را نیز نطق‌های متعدد شخصیت‌های مورد احترام و حمایت جناح راست فراهم کرده بود. برای مثال آیت‌الله مصباح یزدی در بخشی از سخنان پیش از خطبه‌های نماز تهران، که عمدتاً به تبیین سیاست و حکومت در اسلام اختصاص داشت، گفت: «ما در قرآن دستور ارهاب داریم و افرادی که با ادبیات ارهاب آشنا هستند، بروند معادل ارهاب را پیدا کنند و حالا اگر من الآن بگویم معنایش چیست، فردا روزنامه‌ها تیترو می‌کنند که فلانی طرفدار تروریسم است.»<sup>(۱)</sup> همین سخنان دست‌مایه‌ی حملات مکرر جناح رقیب گردید که او را

به خشونت طلبی هر چه بیشتر متهم سازند.

پس از ترور حجاریان، تا زمان دستگیری عوامل ترور - که اتفاقاً از لحاظ سیاسی به جبهه‌ی دوم خرداد گرایش داشتند<sup>(۱)</sup> - مطبوعات دوم خرداد بهره‌برداری مناسبی از ترور علیه رقیب صورت دادند و انگشت اتهام را متوجه رقیب کردند. جناح راست که در موضع اتهام واقع شده بود، در دفاع از خود در گستره‌ای وسیع ترور را محکوم کرد و تلاش کرد با طرح دخالت جریان سوم در ترور حجاریان، توپ پرتاب شده به زمین خود را به زمین جریان سوم، که از دیدگاه جناح راست به رهبری نهضت آزادی برای ایجاد تخاصم بین دو جناح کشور و حاکم شدن خود تلاش می‌کرد، پرتاب کند؛ اما جناح رقیب در واکنش اظهار داشت:

«... اکنون که سعید حجاریان ترور شده است و موج گسترده‌ای علیه خشونت و ترور، کشور را فرا گرفته است، گروه‌ها و محافل سیاسی جناح راست نگران از آن که انگشت‌های اشاره آنان را نشانه گیرد، پیش و پیش از دیگران به محکوم کردن ترور پرداخته‌اند.»<sup>(۲)</sup>

به علاوه مطبوعات دوم خرداد با گزینش تیترهایی جهت‌دار، تلاش کردند همچنان رقیب را زیر آتش بگیرند. در این باره اظهار شد که «دشمنان خاتمی حجاریان را ترور کردند»،<sup>(۳)</sup> «هدف اصلی ترور، پروژه اصلاحات است»،<sup>(۴)</sup> «تئوریزه کردن خشونت از اصل خشونت خطرناک‌تر است»،<sup>(۵)</sup> «ترور حجاریان ادامه‌ی قتل‌های زنجیره‌ای است»،<sup>(۶)</sup> «اگر عالی جنابان خاکستری و شاه کلید محاکمه می‌شدند، حجاریان ترور نمی‌شد»،<sup>(۷)</sup> «عالی جنابان خاکستری در تاریک‌خانه نشسته‌اند و حکم قتل می‌دهند»،<sup>(۸)</sup>

۱. دارابی، سیاستمداران اهل فیضیه، ص ۳۵۸

۲. عصر ما، ۱۳۷۸/۱۲/۲۵

۳. علی اکبر موسوی خوئینی، آفتاب امروز، ۱۳۷۸/۱۲/۲۶

۴. گنجی، همان‌جا

۵. سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها، آفتاب امروز، ۱۳۷۸/۱۲/۲۶

۶. اخبار اقتصاد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۳

۷. گنجی، فتح، ۱۳۷۸/۱۲/۲۴

۸. گنجی، آفتاب امروز، ۱۳۷۸/۱۲/۲۶

«ترویج اندیشه‌ی خشونت در تریبون‌های رسمی بستر اقدامات تروریستی است»،<sup>(۱)</sup>  
 «سخنان مصباح یزدی فضا را برای خشونت فراهم کرد»،<sup>(۲)</sup> «طراحان خشونت را از  
 تریبون‌های عمومی دور کنید»،<sup>(۳)</sup> «تئوری پردازان خشونت باید محاکمه شوند»،<sup>(۴)</sup>  
 «عاملان ترور حجاریان و قتل‌های زنجیره‌ای از یک منبع خط می‌گیرند»،<sup>(۵)</sup> «ترور  
 حجاریان یک کار محفلی است»،<sup>(۶)</sup> «مافیای خشونت نمی‌تواند با اراده‌ی ملت مقابله  
 کند»،<sup>(۷)</sup> «نیروهای مخالف اصلاحات، عاملان ترور «حجاریان» هستند»،<sup>(۸)</sup> «قدرتی  
 مانع رسیدگی به جنایت است»،<sup>(۹)</sup> و «ماهیت ترور حجاریان و قتل‌های زنجیره‌ای یکی  
 است». (۱۰)

این خط تبلیغاتی تا پایان محاکمه‌ی عوامل ترور نیز مسیر خود را طی کرد و توانست  
 باز هم موقعیت جناح راست را بیشتر تضعیف کند. جناح اکثریت مجلس ششم پس از  
 استقرار، یکی از اولین طرح‌هایی که مطرح ساخت، طرح اصلاح قانون مطبوعات بود.  
 این طرح با شعار تأمین آزادی مطبوعات و بیان طراحی شده بود و تصویب آن، قانون  
 سابق مصوب مجلس پنجم را ملغی می‌ساخت. از لحاظ رقابت سیاسی، تصویب این  
 طرح با کاستن از قدرت قوه‌ی قضائیه در برخورد با مطبوعات، ابزار لازم و قوی را در  
 اختیار جبهه‌ی دوم خرداد قرار می‌داد تا بتواند به اهداف خود دست یابد. البته این طرح،  
 مسبوق به سابقه‌ی عملکردی بود که مطبوعات در طول سه سال گذشته از خود به جا  
 گذاشته بودند. فعالیت مطبوعات در سال‌های پس از دوم خرداد، آثار مثبتی در فضای  
 کشور داشت اما تنش‌هایی را نیز در جامعه موجب گردید. سرآغاز قضیه از روزنامه‌ی

۱. محسن آرمین، اخبار اقتصاد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۵

۲. آرمین، همان‌جا

۳. محمد مجتهد شبستری، آفتاب امروز، ۱۳۷۸/۱۲/۲۵

۴. هادی قابل، آفتاب امروز، ۱۳۷۸/۱۲/۲۵

۵. فیض‌الله عرب سرخی، آفتاب امروز، ۱۳۷۸/۱۲/۲۳

۶. هاشم آغاچری، اخبار اقتصاد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۳

۷. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، عصر ما، ۱۳۷۸/۱۲/۲۴

۸. جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی، مشارکت، ۱۳۷۸/۱۲/۲۳

۹. نمایندگان ادواری مجلس، فتح، ۱۳۷۸/۱۲/۲۵

۱۰. سیدهادی خامنه‌ای، آفتاب امروز، ۱۳۷۸/۱۲/۲۴